



10.48315/QGL.2025.487667.1153

فصلنامه «دولت و حقوق»، سال ششم، شماره اول (پیاپی ۱۹)، بهار ۱۴۰۴، صص. ۱۳۶-۱۲۱

سیاست کیفری ایران در تناسب‌سازی مجازات اعدام در جرائم مخدر

عباسعلی اکبری*

مهرداد تیموری**

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

چکیده

اصل تناسب مجازات در مرحله تقنین از طریق تعیین نوع مجازات، پیش‌بینی حداقل و حداکثر آن و اعطای اختیار به قضات برای بهره‌گیری ضابطه‌مند از تأسیسات ارفاقی نظیر تخفیف، تعلیق و آزادی مشروط توسط قانون‌گذار اعمال می‌شود. در مرحله دادرسی نیز این اصل از سوی قضات دادگاه‌ها با انتخاب و تخصیص مجازات متناسب با نوع و شدت جرم و وضعیت مرتکب محقق می‌گردد. روش پژوهش حاضر کاربردی و از نظر ماهیت کیفی است. ابزار گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها توصیفی - تحلیلی بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست کیفری ایران در مبارزه با مواد مخدر همواره سرکوبگرانه و سختگیرانه بوده و با اصل تناسب همراه نبوده است. همچنین، مبنای تعیین مجازات‌ها در قانون مبارزه با مواد مخدر بیشتر بر معیار کمی و میزان مواد مکشوفه متمرکز بوده و به جنبه‌های کیفی همچون شخصیت مرتکبان، عوامل زمینه‌ای ارتکاب جرم و معیارهای بازدارندگی و اثربخشی کمتر توجه شده است. از سوی دیگر، مجازات اعدام نه تنها بازدارندگی مؤثر نداشته بلکه آثار نامطلوب جنایی در جامعه بر جای گذاشته است. در نتیجه، سیاست کیفری مقنن به دلیل خروج از تناسب و اعتدال، کارآمد و مفید نبوده و حتی مشروعیت مجازات اعدام را تضعیف کرده است. بر این اساس، بازنگری اساسی در سیاست کیفری و کاهش اتکا به مجازات‌های شدید، به‌ویژه اعدام، و بهره‌گیری از جایگزین‌های مناسب امری ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی

سیاست کیفری، ایران، اعدام، تناسب مجازات، قانون مبارزه با مواد مخدر.

* استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

abbasali.akbari@iauasrb.ac.ir

** استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

dr.mehrdad.teymouri@iau.ac.ir

مقدمه

با توجه به فراملی و سازمان یافته بودن جرایم مرتبط با مواد مخدر و تلقی آن به عنوان جرم بین المللی قراردادی، سازمان ملل متحد کنوانسیون های متعددی را در سطح منطقه ای و جهانی تصویب کرده است؛ به ویژه کنوانسیون ۱۹۸۸ که ایران نیز به آن پیوسته است. علاوه بر این، بسیج جهانی برای مبارزه همه جانبه با جرایم مواد مخدر به دلیل قبح اجتماعی گسترده آن، تصویب سیاست های کلی مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۸۵، تأسیس ستاد مبارزه با مواد مخدر و دیگر مقررات موجود، همگی نشان می دهد که تدوین و اجرای سیاست کیفری^۱ در معنای وسیع و در سطح کلان در مبارزه با این جرایم همواره مورد توجه دولت ایران بوده است (اکبری و صادقی، ۱۳۹۹: ۹۲).

اهمیت اصل تناسب جرم و مجازات به حدی است که کیفیت رعایت آن در نظام حقوقی هر کشور می تواند معیاری برای سنجش کارآمدی، عدالت محوری و پیشرفت آن کشور باشد. از سوی دیگر، شدت و عدم تناسب مجازات ها، وجود دادرسی اختصاصی در دادگاه انقلاب برای رسیدگی به جرایم مواد مخدر^۲ و محدودیت قضات در بهره گیری از نهادهای قانونی در تفرید مجازات ها، نشان دهنده حاکمیت سیاست کیفری افتراقی در این حوزه است. اگرچه حقوق کیفری به دلیل ماهیت دولتی خود همواره نقش محوری در سیاست کیفری دارد، اما امروزه این سیاست تحت تأثیر آموزه های جرم شناسی و حقوق بشری از سیاست کیفری محض فاصله گرفته است (اکبری، ۱۳۹۳-الف: ۱۰۱). در این میان، مجازات اعدام به عنوان یکی از شدیدترین ابزارهای سیاست کیفری در مبارزه با جرایم مواد مخدر در ایران^۳ و برخی دیگر از کشورها^۴ به کار گرفته می شود.

1. Penal Policy

۲. با تصویب و اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، رسیدگی به جرایم مواد مخدر - به ویژه در زمینه تجدیدنظرخواهی و رعایت نظام تعدد قاضی در جرایم سنگین مانند پرونده های دادگاه کیفری یک - تابع قواعد عام دادرسی شد. بدین ترتیب، دادرسی افتراقی در حوزه جرایم مواد مخدر صرفاً به صلاحیت دادگاه انقلاب محدود گردیده است.

۳. در قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۷۶ مجمع تشخیص مصلحت (اصلاحی ۸۹) حدود ۳۴ مورد مجازات اعدام مقرر شده است.

۴. حدود ۲۲ کشور در دنیا برای قاچاق مواد مخدر، مجازات اعدام تعیین کرده اند. این کشورها عبارتند از: موزمبیک، برونئی دارالاسلام، برمه، چین، هند، اندونزی، کره جنوبی، مالزی، سنگاپور، سریلانکا، تایوان، تایلند، ترکیه، الجزایر، بحرین، مصر، عراق، سوریه، امارات متحده عربی، ایالات متحده آمریکا و ایران (به نقل از کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

در حقوق کیفری، اصل عدالت تناسبی بیانگر این ایده است که مجازات هر جرم باید متناسب با شدت همان جرم تعیین شود. به کارگیری اقدامات سرکوبگرانه از طریق مجازات‌های شدید و نامتناسب، به‌ویژه اعدام، برای مرتکبان بسیاری از جرایم مربوط به مواد مخدر در ایران اگرچه ممکن است در مقاطعی مفید جلوه کرده باشد، اما هرگز نمی‌تواند راهکاری پذیرفتنی و پایدار برای مهار و کنترل این جرایم در طول زمان تلقی شود.

گسترده‌گی جرایم مواد مخدر که عمده‌تاً ناشی از موقعیت ترانزیتی ایران و نیز اتخاذ تدابیر شتاب‌زده و سنتی توسط سیاست‌گذاران بوده است، هزینه‌های سنگین مادی و انسانی بر کشور تحمیل کرده، بی‌آنکه کاهش یا مهار چشمگیری در نرخ بزهکاری مواد مخدر حاصل شود. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی سیاست کیفری ایران در زمینه تناسب‌سازی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر است. این بررسی در پنج محور اصلی انجام گرفته است:

۱. تناسب مجازات در رویکرد تقنینی،
۲. تناسب مجازات در رویکرد قضایی،
۳. تناسب مجازات در رویکرد اجرایی،
۴. تضعیف اصول حتمیت و قطعیت مجازات‌ها و تزلزل بازدارندگی آن‌ها،
۵. ضرورت بازنگری در مجازات اعدام و جایگزینی آن با مجازات‌های مناسب‌تر.

۱. روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، کیفی است. داده‌های پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و با مراجعه به قوانین، مقررات و سایر منابع گردآوری شده و تحلیل داده‌ها به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

ابراهیمی، گلدوست جویباری و زاهدی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه مجازات اعدام در پیشگیری از وقوع جرایم مواد مخدر از منظر حقوق ایران و افغانستان» به این نتیجه رسیده‌اند که قانون‌گذار ایرانی با ترکیب دیدگاه‌های فقهی و نظرات قانون‌گذاران در تدوین قانون مبارزه با مواد مخدر و وارد کردن این بزه در زمره تعزیرات و قرار دادن بخشی از آن در حکم جرایم حدی، مانع بهره‌مندی متهمان و محکومان از برخی حقوق مکسبه خود شده است.

حسنی، سلطانی و صفری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرات عدم هم‌سویی سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در نگرش متهمان و محکومان جرایم مواد مخدر» نشان داده‌اند که توسل بیش از حد مقنن به مجازات‌های شدید، از جمله حبس‌های طولانی‌مدت و اعدام، به‌روشنی در

قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مشاهده می‌شود.

فلاحی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «اصل ضرورت در جرم‌انگاری و محدودیت‌های وارد بر دخالت کیفری در مصرف مواد مخدر» نتیجه گرفته است که توجیه ممنوعیت کیفری بر مبنای حمایت از نظم عمومی یا حقوق و آزادی‌های افراد، بدون توجه به خواسته‌ها و ضرورت‌های افکار عمومی امکان‌پذیر نیست. به باور او، عمل کیفری باید از سرزنش عمومی برخوردار باشد و این سرزنش در میزان قبحی نهفته است که مردم جامعه برای آن عمل قائل می‌شوند. بنابراین، اگر دولت احساس کند که ممنوعیت یک رفتار خاص برای حمایت از جامعه ضروری است، باید این امر را با تکیه بر اقناع افکار عمومی اجرا کند؛ موضوعی که پیوندی جدی با نهادینه‌شدن حوزه عمومی دارد.

اکبری (۱۳۹۳-ب) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر در ایران با تأکید بر اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر» بیان کرده است که سیاست قانون‌گذار در این حوزه همواره مبتنی بر سرکوب، شدت مجازات‌ها و عدم تناسب آن‌ها بوده است. به گونه‌ای که در تعیین مجازات‌ها به معیارهایی چون قبح اجتماعی عمل، کرامت انسانی، موازین حقوق بشری و اصل عدالت - که از شاخص‌های اساسی تناسب به شمار می‌روند - توجه کافی نشده است.

با توجه به پیشینه موجود و نتایج به‌دست آمده از پژوهش‌های پیشین، نوآوری پژوهش حاضر در بررسی اصل تناسب‌سازی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر به‌روشنی قابل مشاهده است.

۳. تناسب مجازات در رویکرد تقنینی

مقصود از تناسب تقنینی، برقراری تناسب در مقررات و مجازات‌هایی است که از سوی قانون‌گذار پیش‌بینی و سپس توسط مقام قضایی اعمال می‌شود. ظرفیت‌ها و ابزارهای قانونی در ایجاد این تناسب میان جرایم و مجازات‌ها در مرحله تقنین و دادرسی معمولاً شامل تخفیف، تشدید، تعیین حداقل و حداکثر مجازات‌ها و اعطای اختیارات به قضات دادگاه‌هاست (اکبری و صادقی، ۱۳۹۹: ۹۴).

اگر کیفردهی به‌عنوان مسئله‌ای اساسی در سطح جامعه مورد توجه قرار نگیرد و برای مردم اهمیت چندانی نداشته باشد، افکار عمومی واقعی و پایدار در اطراف آن شکل نخواهد گرفت (محمودی جانکی و مرادی حسن‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۷۵). منفعت عمومی بشر ایجاب می‌کند که جرایم اساساً ارتکاب نیابند و در صورت وقوع، به نسبت زیانی که به جامعه وارد می‌کنند کمتر تکرار شوند. بنابراین، ابزارهایی که قانون‌گذار برای پیشگیری از جرایم در نظر می‌گیرد، باید متناسب با میزان تهدید آن‌ها علیه امنیت و رفاه عمومی و نیز شدت انگیزه‌های ارتکابشان طراحی

شود. از این رو، وجود تناسب پایدار میان جرایم و مجازات‌ها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. نگاهی تاریخی و فلسفی به قوانین و نظام‌های حقوقی ملت‌ها نشان می‌دهد که ایده‌های مربوط به فضیلت و رذیلت و معیارهای شهروند خوب یا بد، نه بر اساس خیر عمومی و تغییر شرایط واقعی، بلکه اغلب تحت تأثیر احساسات یا خطاهای متوالی قانون‌گذاران در ادوار مختلف دگرگون شده‌اند.

اگرچه رفتارهای شریانه و فاسد -مانند تسلیم شدن به امیال نامعقول و تعدی به جان، آزادی و اموال دیگران- همواره تهدیدی جدی برای نظم و امنیت اجتماعی هستند و پذیرش جامعه را برای زیست جمعی دشوار می‌سازند، اما هدف دولت تنها مجازات مجرمان به هر قیمت نیست؛ دولت باید با مجازات‌های مناسب و متناسب مانع ارتکاب چنین اعمالی شود. در عین حال، جامعه نیز از فردی که مرتکب ضرری جزئی شده است، صرفاً به‌خاطر آن خطا، دست نمی‌کشد؛ آن فرد پس از تحمل مجازاتی متناسب، همچنان از حمایت اجتماعی در برابر مجازات‌های سخت‌تر و درد بیشتر برخوردار است.

وظیفه قوه مقننه این است که دایره جرایم ضروری برای سرکوب را معین و برای هر یک، درجه‌بندی متناسبی از مجازات‌ها فراهم کند. اصلاح مجرمان هدفی پسندیده و شایسته توجه قانون است، اما اعدام به‌عنوان مجازاتی ریشه‌کن‌کننده عملاً زمینه اصلاح را از میان می‌برد. به‌کارگیری گسترده اعدام، علاوه بر نابود کردن افراد قابل اصلاح، می‌تواند توان اجتماعی و توانمندی‌های بالقوه‌ای را که پس از اصلاح می‌توانستند به نفع جامعه به کار روند، از بین ببرد.

تاریخ نشان داده که قوانین سرسخت و خونین، با خاموش کردن گواهی‌ها یا سوگیری در قضاوت، خود هدف نظم اجتماعی را تضعیف می‌کنند؛ در حالی که اگر مجازات‌ها متناسب با میزان آسیب باشند، شهروندان نه تنها تمایل بیشتری به رعایت قانون خواهند داشت، بلکه احساس مسئولیت و دلبستگی‌شان به نظم جمعی نیز افزایش می‌یابد.

از منظر اسلام، هدف از مجازات نه رنج و عذاب گناهکار، بلکه تأدیب، تهذیب اخلاق، ارتقای انسان به مراتب فضیلت، پاسداشت شخصیت و کرامت انسانی و تقویت روح برادری و دوستی است (احمدی ابهری، ۱۳۷۷: ۱۰۱-۱۰۴). در مجازات‌های اسلامی این اصل بنیادین پذیرفته شده است که مجازات باید متناسب با جرم باشد؛ زیرا در نظام حقوقی اسلام، عقوبت ابزاری برای تطهیر نفس و برخاسته از رحمت الهی است، از این رو رعایت تناسب در آن ضرورت دارد (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۲۲۴).

از سوی دیگر، یکی از مبانی اساسی حق بر مجازات نشدن، حق بنیادین زندگی است. رعایت کامل این حق، مستلزم حذف مطلق مجازات اعدام یا دست‌کم محدود کردن آن به موارد استثنایی

و اجتناب‌ناپذیر (شدیدترین جرایم) است. حتی در چارچوب اصل تفرید مجازات (تعیین مجازات متناسب) نیز اختیارات قضات دادگاه‌های انقلاب در این زمینه محدود شده است.

در یک تحلیل جامعه‌شناختی، می‌توان وجدان عمومی را معیار عدالت کلی دانست و از این رهگذر به عدالت جزایی نزدیک شد. عدالت جزایی در روزگار کنونی صرفاً محدود به فرد یا گروهی خاص نیست، بلکه همه افراد جامعه را دربرمی‌گیرد (نوربها، ۱۳۸۳: ۸۰۰).

اصل تناسب جرم و مجازات در نظریه عدالت استحقاقی نمود می‌یابد. بر اساس اصل تناسب ترتیبی، شدت مجازات‌ها باید متناسب با درجه سرزنش‌پذیری جرایم رتبه‌بندی شود. مبنای این دیدگاه، «تئوری عمل» است نه «تئوری شخصیت»؛ به همین دلیل، مجازات استحقاقی از ویژگی‌های اخلاقی اشخاص تأثیر نمی‌پذیرد.

تئوری سزادهی عمدتاً بر توجیه کلی مجازات استوار است، اما در عین حال به مسئله توزیع مجازات‌ها نیز می‌پردازد؛ یعنی اینکه چه کسانی و به چه میزان باید مجازات شوند. این امر اساس نظریه عدالت استحقاقی را تشکیل می‌دهد.

۴. تناسب مجازات در رویکرد قضایی

فردی‌سازی واکنش کیفری به معنای تعیین نوع، میزان و شیوه اعمال واکنش کیفری علیه بزهکار بر پایه مصلحت او و جامعه است (Fletcher, 1999: 86). تأکید اصل تناسب مجازات با شخص مجرم بر این واقعیت استوار است که تفاوت‌های رفتاری، شخصیتی و وراثتی میان افراد، ضرورت تفاوت در اجرای مجازات‌ها را اجتناب‌ناپذیر می‌کند (کاظمی و زرخ، ۱۳۹۱: ۴۰).

مجازات باید در چارچوب طیفی گسترده تعیین شود؛ به گونه‌ای که قاضی بتواند در محدوده حداقل و حداکثر مقرر توسط قانون‌گذار - که بر اساس ملاحظات تناسب ترتیبی تعیین شده است - مجازاتی متناسب با شرایط فرد و جرم انتخاب کند. باین‌حال، متأسفانه قانون‌گذار ایران چنین اختیار و سازوکاری را برای قضات در زمینه تعدیل و تفرید مجازات‌های جرایم مواد مخدر، متناسب با وضعیت مرتکب، نوع و شدت جرم پیش‌بینی نکرده است.

تفرید قضایی مجازات ابزاری برای متناسب‌سازی واکنش کیفری با نوع و شدت جرم و نیز شرایط فرد مرتکب است. این امر توسط قضات دادگاه‌ها و در حدود اختیارات قانونی آن‌ها بر اساس تشخیص و صلاحدید اعمال می‌شود. باین‌حال، در حوزه جرایم مواد مخدر، قانون‌گذار ضمن پافشاری بر شدت و عدم تناسب مجازات‌ها، اختیار قضات در متناسب‌سازی مجازات اعدام را به‌طور جدی محدود کرده است. در نتیجه، قضات در بسیاری از موارد - حتی با وجود احراز جرم - با توسل به مفرهای قانونی و گاه حتی غیرقانونی، از صدور حکم اعدام خودداری کرده و

آن را به مجازات‌های خفیف‌تر تقلیل داده‌اند.

در قانون مبارزه با مواد مخدر مقرر شده است که حمل مقادیر معینی از مواد مخدر مستوجب حکم اعدام است. دادگاه‌ها نیز در گذشته چنین احکامی صادر می‌کردند، اما در ذیل رأی می‌نوشتند که «محکوم علیه استحقاق اعدام ندارد» و از دادستان کل کشور می‌خواستند پرونده را برای بررسی به کمیسیون عفو و بخشودگی ارسال کند تا امکان تخفیف مجازات فراهم شود. این وضعیت نشان می‌دهد که هرچند چنین مجازاتی «قانونی» است، اما لزوماً «مشروع» به شمار نمی‌آید. مشروعیت همان عاملی است که می‌تواند تناسب میان جرم و مجازات را برقرار سازد (آزمایش، ۱۳۸۵: ۱۱).

بر این اساس، اصل تناسب جرم و مجازات باید هم در زمان وضع قانون توسط قانون‌گذار و هم هنگام تعیین کیفر توسط قاضی در خصوص جرم مشخص و فرد معین مورد توجه قرار گیرد. رویه قضایی ایران در برخورد با مجازات اعدام، به‌ویژه در سال‌های اخیر، انعطاف بیشتری نشان داده است. به‌عنوان نمونه، از میان ۱۲۵ هزار پرونده مرتبط با مواد مخدر که طی این سال‌ها بررسی شده، تنها در ۲۰۰۰ فقره حکم اعدام صادر گردید؛ یعنی کمتر از یک درصد کل پرونده‌ها. از این تعداد نیز صرفاً دوازده درصد اجرا شد و مابقی یا مشمول عفو شدند یا به‌دلیل واقعی‌دینی دیوان عالی کشور نقض گردیدند (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۹: ۳۳).

همچنین در سال ۱۳۷۸، از میان ۱۵۸۶۹ نفر که مشمول حکم اعدام بودند، تنها ۱۷۲۵ حکم صادر شد و از این میان صرفاً ۴۰۴ حکم به تأیید دیوان عالی کشور رسید؛ در نهایت نیز فقط ۲۲۴ مورد اجرا گردید. در سال ۱۳۷۹ نیز، از میان ۱۳۲۵۲ نفر مستحق اعدام، تنها ۲۳۹۰ حکم اعدام صادر شد، که ۴۰۳ مورد از آن‌ها به تأیید دیوان عالی کشور رسید و نهایتاً فقط ۲۲۶ حکم اجرا شد (کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

این روند نشان می‌دهد که تأکید بیش از حد بر تخفیف و عفو در سال‌های گذشته، برای محکومان جرایم سنگین این انتظار را ایجاد کرده که می‌توانند با اتکا به چنین نهادهایی از مجازات‌های مقرر رهایی یابند (جعفری، ۱۳۸۹: ۸). چنین رویه‌ای بیانگر شکاف روشن میان سیاست قضایی و سیاست تقنینی است؛ زیرا قانون‌گذار با تعیین مجازات‌های شدید، غیرمتناسب و غیرعادلانه، رویکردی اتخاذ کرده که در عمل با واقعیت‌های اجتماعی و علل وقوع جرم همخوانی ندارد. بدین ترتیب، قانون‌گذاری صرفاً بر مبنای معلول‌ها و بدون توجه به ریشه‌ها، قانون را از اهداف غایی خود دور می‌سازد.

۵. تناسب مجازات در رویکرد اجرایی

در مرحله اجرای مجازات، رویکرد حاکم بیش از هر چیز بر سزاگرایی استوار است و بر ویژگی‌های جرم ارتكابی، شخصیت مرتکب و میزان تأثیرپذیری او از کیفر تأکید دارد. در این مرحله، مجازات باید متناسب با شدت جرم و شرایط فرد بزه‌کار سنجیده شود تا تناسب میان جرم و مجازات به‌طور واقعی رعایت گردد.

تأثیر شدت و خفّت جرم، بسته به نوع صدمه و میزان قابلیت سرزنش مرتکب متفاوت است. گاهی صدمه بسیار شدید است - مانند مرگ قربانی - اما قابلیت سرزنش مرتکب اندک است؛ مانند بی‌احتیاطی در رانندگی. در چنین حالتی، این نوع قتل با قتل که با سبق تصمیم و سوءنیت کامل ارتکاب یافته، هرچند از حیث صدمه وارده یکسان‌اند، نمی‌توانند مجازات یکسانی داشته باشند؛ زیرا درجه‌ی سرزنش‌پذیری آن‌ها متفاوت است. این قاعده در همه جرایمی که عناصر مادی (صدمه) و روانی (نیت یا قصد) در آن‌ها مطرح است، قابل اعمال است و به کمک آن می‌توان معیاری برای سنجش شدت جرم و تعیین مجازات فراهم آورد.

در حقوق کیفری ایران نیز، حتی در مواردی که میزان صدمه یکسان است، عنصر روانی غالباً معیار تعیین شدت جرم و میزان مجازات تلقی می‌شود. به بیان دیگر، وضعیت‌های گوناگونی قابل تصور است: گاهی صدمه ضعیف ولی قابلیت سرزنش شدید است، مانند شروع به قتل که از منظر شدت جرم، شدیدتر از ایراد صدمه بدنی شدید ارزیابی می‌شود. به همین ترتیب، قانون‌گذاران در جرائم مختلف، بسته به شرایط، گاه صدمه وارده و گاه قابلیت سرزنش را مقدم داشته‌اند. با این حال، به‌عنوان یک قاعده کلی می‌توان گفت که در حقوق ایران همواره قابلیت سرزنش بر میزان صدمه‌ی وارده اولویت دارد و نقش تعیین‌کننده‌تری در شدت جرم ایفا می‌کند (سبزواری‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۴۱).

بر اساس نظریه‌های سزاگرایانه، میزان مجازات متناسب با جرم، بر پایه دو عامل «آسیب» و «تقصیر» یا قابلیت سرزنش مرتکب تعیین می‌شود. حال اگر مجازات جرائم متعدد نیز صرفاً بر مبنای این دو عامل محاسبه و سپس با یکدیگر جمع شود، بسیاری از مجرمان ناچار خواهند بود سال‌های طولانی و حتی چند دهه از عمر خود را در زندان سپری کنند. چنین وضعیتی در عمل به نابودی فرد می‌انجامد و او را به انسانی تبدیل می‌کند که هیچ درک یا لذتی از زندگی ندارد؛ حال آنکه این پیامد، هرگز در شمار اهداف مجازات نیست.

نقطه‌ی کانونی اصل «تناسب کلی» تلاش برای توجیه این اصل بر مبنای همان دو رکن اصلی، یعنی «آسیب» و «تقصیر» است. هرچند تطبیق این اصل با عنصر «تقصیر» دشوار است، اما دلایل متعددی برای توجیه آن بر پایه «آسیب جنایی» وجود دارد. به همین دلیل، اصل تناسب کلی

ایده‌ای جذاب برای تعیین کیفر در جرائم متعدد به شمار می‌رود، چراکه می‌تواند به نوعی تخفیف کلی در مجموع مجازات‌ها منجر شود (زارع، ۱۴۰۱: ۶۵).

از سوی دیگر، بدیهی است که نه تنها پیشگیری از وقوع جرم به سود جامعه است، بلکه در صورت ارتکاب جرم نیز باید آسیب وارده به کمترین حد ممکن محدود شود. بنابراین، ابزارهایی که مانع ارتکاب جرم می‌شوند، باید هم با میزان آسیبی که به جامعه وارد می‌شود و هم با شدت و سوسه‌ای که مجرم با آن روبه‌روست، متناسب باشند. در نتیجه، وجود نسبتی ثابت میان جرم و مجازات امری ضروری است.

یکی از انتقادهای اساسی به نظام‌های کیفری سنتی، تمرکز افراطی آن‌ها بر مجازات انتقامی به جای اصلاح و بازپروری است. این نظام‌ها، حبس را محور اصلی مجازات قرار داده‌اند، در حالی که شواهد روزافزون نشان می‌دهد زندان‌ها، به‌ویژه در جرایم غیرخشونت‌بار یا کم‌اهمیت، نه تنها به کاهش پایدار جرم یا اصلاح واقعی مجرمان منجر نشده‌اند، بلکه گاه به کانونی برای آموزش جرم، تشدید خشونت و گسست پیوندهای اجتماعی تبدیل شده‌اند.

هزینه‌های سنگین اقتصادی، تراکم جمعیت کیفری و افزایش نرخ تکرار جرم، تنها بخشی از پیامدهای رویکرد زندان‌محور است. حال آنکه یکی از اهداف اصلی حبس، اصلاح مجرم است. اگر دادگاه تشخیص دهد که با مجازاتی غیر از حبس می‌توان اصلاح فرد را تضمین کرد، مجازات جایگزین حبس قابل اعمال خواهد بود.

آثار منفی حبس‌های کوتاه‌مدت به‌ویژه چشمگیر است؛ چرا که نه تنها اصلاحی در پی ندارند، بلکه حضور فرد در زندان و هم‌نشینی با مجرمان حرفه‌ای، می‌تواند بزهکاری را که مرتکب جرمی سبک و غیرحرفه‌ای شده است، به یک مجرم خطرناک و حرفه‌ای بدل کند. از این رو، ضروری است که با توجه به نوع جرم ارتكابی و ویژگی‌های فردی مجرمان، احکامی متناسب و کارآمد صادر شود.

۶. تضعیف اصول حتمیت و قطعیت مجازات‌ها و تزلزل بازدارندگی آن‌ها

این پرسش مطرح است که آیا شدت بیشتر مجازات‌ها الزاماً به معنای بازدارندگی بیشتر است؟ واقعیت آن است که چنین نیست. گاه شدت بیش از حد مجازات نه تنها بازدارندگی مؤثری ندارد، بلکه اثر معکوس برجای می‌گذارد؛ زیرا هرگاه مجازات بیش از اندازه سخت باشد، مقامات قضایی در عمل تمایلی به اعمال آن نشان نمی‌دهند و همین امر، به دلیل کاهش احتمال اجرای مجازات، کارایی آن را تضعیف می‌کند (یزدیان جعفری، ۱۳۹۱: ۸۴).

افزون بر این، پژوهش‌ها نشان می‌دهد یکی از علل کاهش اثر بازدارنده شدت مجازات آن

است که مردم معمولاً مجازات‌ها را کمتر از واقعیت شدت آن‌ها ارزیابی می‌کنند (Von Hirsch, 1999: 12). به بیان دیگر، درک اجتماعی از میزان سختی مجازات کمتر از واقعیت است و همین شکاف، از اثربخشی آن می‌کاهد. از سوی دیگر، سخت‌گیری و اعمال مجازات‌های شدید و سنگین می‌تواند توانایی دولت در تحقق عدالت کیفری را زیر سؤال برده و در عمل زمینه تشویق به بزهکاری را فراهم آورد.

ساده‌ترین فرض برای سنجش بازدارندگی مجازات‌ها آن است که اگر مجازات واقعاً مؤثر باشد، باید هم موجب کاهش نرخ کلی جرائم یا یک جرم خاص گردد و هم مانع تکرار جرم توسط مجرم سابق شود. بر همین اساس، اگر مجازات اعدام برای جرم خرید و فروش مواد مخدر بازدارنده باشد، انتظار می‌رود طی مدتی مشخص، شاهد کاهش محسوس در وقوع این جرم باشیم.

بر مبنای پیش‌فرض‌های نظریه بازدارندگی، مجازات باید هم نسبت به مجرم بالفعل و هم نسبت به مجرم بالقوه اثر بازدارنده داشته باشد؛ یعنی هم میزان کلی جرائم را کاهش دهد و هم نرخ تکرار جرم را پایین بیاورد. اما استناد به «امکان» افزایش بیشتر وقوع جرم در صورت عدم اعمال مجازات شدید فعلی، به هیچ‌وجه اثبات‌کننده اثر بازدارنده همان مجازات نیست؛ زیرا این تنها فرضی است که هنوز در عمل چنین اثری از خود نشان نداده است (غلامی، ۱۳۹۵: ۱۳۸-۱۳۹).

افزون بر این، تغییر ضریب شدت مجازات تأثیر بسیار کمتری دارد نسبت به تقویت عواملی که باور فرد به حتمیت اجرای مجازات را افزایش می‌دهند (فریدمن، ۱۳۸۶: ۱۱۸). اصل حتمیت و قطعیت اجرای مجازات به این معناست که مردم، به‌ویژه بزهکاران، یقین داشته باشند هر فردی که مرتکب جرم شود، بی‌تردید و از طریق حکمی قطعی و غیرقابل نقض به مجازات خواهد رسید.

از منظر فلسفی و نظری، نئوکلاسیک‌های نوین معتقدند سزادهی به معنای جلوگیری از تزلزل در اجرای مجازات‌هاست و نباید با گسترش عفو محکومان، آزادی مشروط یا سایر تأسیسات ارفاقی به قطعیت و اعتبار مجازات لطمه وارد شود. با این حال، با توجه به اصل تناسب، استفاده از شیوه‌های جایگزین مجازات به‌طور کامل منتفی نیست (فرج‌اللهی، ۱۳۸۹: ۲۸۶).

تضمین حتمیت اجرای مجازات مستلزم صرف هزینه‌های قابل توجهی در سطوح پلیس و دستگاه قضایی است تا دستگیری و مجازات سریع مرتکبان امکان‌پذیر گردد. در غیر این صورت، متولیان اجرای مجازات ناچار خواهند شد ضعف خود را با برخورد شدیدتر با معدود افرادی که گرفتار قانون می‌شوند جبران کنند. در این میان، اگر نقشی برای اثر اعرابی مجازات قائل باشیم، باید آن را ناشی از وجود و کارآمدی دستگاه کیفری بدانیم، نه شدت مجازات‌ها.

اثر بازدارنده و اعرابی تنها زمانی تحقق می‌یابد که مجازات تعیین‌شده قطعاً اجرا گردد. در غیر این صورت، عدم اجرای کیفر در طول زمان به زوال اثر بازدارندگی، کاهش مشروعیت مجازات و

حتی تضعیف کل نظام کیفری می‌انجامد (صفاری، ۱۳۸۴: ۱۱۲-۱۴۱). بر همین اساس، به نظر می‌رسد اجرای مجازات‌های شدید، مانند اعدام و حبس ابد، فاقد کارایی لازم است. چه آنکه در عمل، بسیاری از این مجازات‌ها به‌رغم صدور حکم قطعی، در فرایند کیفری نقض یا مشمول عفو و تخفیف می‌شوند. آمارها نیز نشان می‌دهد شمار قابل توجهی از محکومان جرائم مواد مخدر پس از رهایی، بار دیگر مرتکب جرم می‌شوند.

۷. ضرورت بازنگری در مجازات اعدام و وضع مجازات‌های جایگزین

قانون‌گذار پس از انقلاب، هرگاه در تعیین مجازات اعدام با مشکل مواجه شده است، غالباً به پشتوانه صبغه مذهبی متوسل شده و از عناوینی همچون «مفسد فی الارض» یا «محارب» بهره گرفته است (رحمدل، ۱۳۸۳: ۷۰)^۱. با این حال، اگر مجازات اعدام واقعاً کارآمد بود، می‌بایست نرخ تکرار جرم و جرایم مرتبط با مواد مخدر به‌طور محسوس کاهش می‌یافت. بنابراین، در اعمال نظریه ناتوان‌سازی و توسل به مجازات اعدام، باید با نهایت احتیاط عمل کرد.

با توجه به آمار رو به افزایش جرائم مواد مخدر در سال‌های گذشته، مجازات اعدام به دلیل شدت بیش از حد، عدم انطباق با میزان قبح اجتماعی، عدم تناسب و ناعادلانه بودن، کارایی لازم در بازدارندگی نداشته است. قانون‌گذار طی دهه‌های اخیر با رویکردی سختگیرانه و وضع شدیدترین مجازات‌ها، بدون توجه کافی به ابعاد اجتماعی این معضل، به مقابله با جرائم مواد مخدر پرداخته است؛ اما این سیاست سرکوبگرانه، علی‌رغم صرف هزینه‌های کلان مالی و انسانی، دستاورد قابل توجهی در کاهش جرائم مواد مخدر نداشته است. همان‌گونه که گفته شده است: «اساساً کشوری که با زبان جنگ به مقابله با مجرمین برمی‌خیزد، در واقع علیه خود اعلام جنگ کرده است» (وینفری‌ال، ۱۳۸۸: ۳۴۵). علاوه بر این، تجربه چند دهه گذشته در برخی کشورها نشان می‌دهد که اجرای گسترده مجازات اعدام تأثیر مؤثری در کاهش قاچاق مواد مخدر نداشته و در مواردی حتی نتیجه معکوس بر جای گذاشته است. از دیدگاه برخی طرفداران لغو مجازات

۱. در خصوص ماهیت مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر، میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. به نظر می‌رسد واضعان این مجازات با استناد به عنوان «افساد فی الارض» آن را توجیه کرده‌اند؛ احتمالاً به همین دلیل نیز در نظام درجه‌بندی مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اعدام در زمره مجازات‌های تعزیری ذکر نشده است. با این حال، از آنجا که مجازات اعدام به عنوان حد در منابع شرعی منصوص نیست و قانونگذار در قانون مجازات اسلامی، جرم «افساد فی الارض» را به عنوان جرمی مستقل با وصف خاص خود پیش‌بینی کرده است، نمی‌توان صرف ارتکاب موردی جرائم مواد مخدر را ذیل عنوان افساد فی الارض قرار داد، مگر آنکه این جرائم به‌صورت گسترده و با نتایج وسیع ارتکاب یافته باشد. بر همین اساس، به نظر می‌رسد مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر ماهیتی تعزیری (حکومتی) دارد نه حدی.

اعدام نیز، دولت‌ها به انسان زندگی نبخشیده‌اند تا بتوانند حق سلب آن را برای خود قائل شوند (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۷: ۴). به علاوه، تداوم سیاست کیفری مبتنی بر سرکوب، خواسته یا ناخواسته، پیامدهای منفی اجتماعی و کاهش اعتبار بین‌المللی کشور را به همراه داشته است.

نمی‌توان مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر را الزاماً در شمار کیفرهای شرعی و حدی دانست که تغییر یا اصلاح‌ناپذیر باشند؛ زیرا قدر متیقن از دیدگاه بسیاری از فقها آن است که این مجازات صبغه‌ای حکومتی داشته و در زمره‌ی مجازات‌های بازدارنده قرار می‌گیرد. البته برخی فقها اعدام قاچاقچیان مواد مخدر را در صورت شیوع و گسترش آن، ذیل عنوان «افساد فی الارض» قابل توجیه دانسته‌اند؛ همان‌گونه که شورای عالی قضایی وقت نیز چنین نظری را ابراز کرده است. این برداشت، با ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی که به تعریف افساد فی الارض پرداخته، همخوانی دارد. اما در اغلب موارد، به دلیل فقدان شرط «شیوع و انتشار»، اعدام در جرائم مواد مخدر صبغه‌ی حدی و شرعی نداشته و در زمره‌ی مجازات‌های حکومتی و تعزیری قرار می‌گیرد.

اعتقاد به حدی و تغییرناپذیر بودن اعدام، جز در شرایط خاص، مغایر با فلسفه‌ی وضعی آن است. از آنجا که مجازات جرائم مواد مخدر بر پایه‌ی نیازها و مصالح اجتماعی مقرر شده است، تلقی آن در قالب مجازات بازدارنده، مطابق با رویکرد قانون مجازات اسلامی (ماده ۱۸) است که همه این دسته از مجازات‌ها را در چارچوب تعزیرات تعریف می‌کند. بنابراین، امکان تجدیدنظر در حکم اعدام و جایگزینی آن با مجازات‌های کارآمدتر و انسانی‌تر وجود دارد و این امر هیچ‌گونه مغایرتی با مبانی شرعی ندارد.

در واقع، نگرش صرفاً امنیتی و شرعی قانون‌گذار به جرائم مواد مخدر، با نادیده گرفتن بُعد اجتماعی این پدیده، از ابتدا نادرست بوده و حتی می‌توان ارجاع سیاست تقنینی مربوط به این جرائم به مجمع تشخیص مصلحت نظام را ناشی از همین نگاه دانست (اکبری و صادقی، ۱۳۹۹: ۱۰۷-۱۰۸). بر این اساس، بازنگری در مجازات اعدام و محدود ساختن آن به موارد خاص - مانند سرکردگی، قاچاق مسلحانه، تکرار جرم برای بار سوم یا چهارم و ارتکاب جرائم عمده و گسترده‌ی مواد مخدر به گونه‌ای که مشمول افساد فی الارض گردد - ضرورتی انکارناپذیر است.

در زمینه جایگزین‌های اعدام نیز می‌توان به تعیین حبس متناسب برای برخی از جرائم، وضع جزای نقدی متناسب، مصادره‌ی اموال ناشی از جرم و محرومیت از حقوق اجتماعی اشاره کرد. البته کارایی این جایگزین‌ها مشروط به آن است که اصول حتمیت و قطعیت اجرای مجازات رعایت شود و دستگاه عدالت کیفری بدون معیار و ضابطه به نهادهای ارفاقی همچون عفو یا تخفیف متوسل نشود؛ چراکه در غیر این صورت، بازدارندگی مجازات‌ها مخدوش خواهد شد.

نتیجه‌گیری

رعایت اصل تناسب یکی از الزامات بنیادین عدالت و انصاف در تعیین مجازات است و غایت آن، تطابق میزان کیفر با درجه تقصیر مرتکب به شمار می‌رود. این اصل نه تنها مبنای منطقی و عقلانی مجازات است، بلکه پشتوانه مشروعیت آن نیز محسوب می‌شود. با این حال باید توجه داشت که تناسب جرم و مجازات امری ثابت و ریاضی‌وار نیست، بلکه مفهومی سیال و نسبی است که تفسیر و اجرای آن به ایدئولوژی‌ها، ارزش‌های اجتماعی و سیاست‌های کیفری هر جامعه بستگی دارد.

بر پایه این اصل، عدالت اقتضا می‌کند که مجرم صرفاً در برابر همان رفتار مجرمانه‌ی ارتكابی خود پاسخ‌گو باشد و تعیین مجازات نیز باید با در نظر گرفتن مجموعه عواملی همچون شدت جرم، وضعیت قربانی، شرایط وقوع جرم و خصوصیات فردی و شخصیتی بزه‌کار صورت پذیرد. به عبارت دیگر، هماهنگی و تعادل میان جرم و مجازات باید در حدی برقرار شود که هم عدالت کیفری تأمین گردد و هم اهداف بازدارندگی و اصلاحی نظام عدالت جنایی تحقق یابد.

تناسب میان جرم و مجازات هرگز به معنای برابری مطلق و عددی میان این دو نیست، بلکه هدف ایجاد نسبتی معقول و عادلانه است که با رعایت اصول حقوقی، یافته‌های جرم‌شناختی در زمینه انگیزه‌های ارتكاب جرم و طبقه‌بندی مجرمان، و نیز توجه به کرامت انسانی، به دست می‌آید. در نتیجه، تضمین اصل تناسب، نه تنها شرط کارآمدی و مشروعیت سیاست کیفری است، بلکه عاملی کلیدی برای اعتماد عمومی به عدالت کیفری و پیشگیری مؤثر از جرائم به شمار می‌رود.

سیاست کیفری ایران در قبال جرائم مواد مخدر همواره بر رویکردی سختگیرانه و سرکوبگرانه استوار بوده است؛ رویکردی که در تعیین مجازات‌ها کمتر به کرامت انسانی و اصول عدالت کیفری توجه داشته است. علاوه بر این، عدم اجرای بخشی از احکام اعدام و حبس ابد به دلایل مختلف در فرایند دادرسی، موجب تزلزل اصل حتمیت و قطعیت مجازات‌ها گردیده است. در چنین شرایطی، متناسب‌سازی کیفرها و ضابطه‌مند نمودن استفاده از نهادهای تفرید مجازات می‌تواند این کاستی‌ها را جبران کرده و به ارتقای بازدارندگی مجازات‌ها کمک نماید.

بررسی آمارهای سال‌های گذشته نشان می‌دهد که مجازات اعدام در حوزه مواد مخدر فاقد بازدارندگی کافی بوده و علی‌رغم اعمال شدیدترین مجازات‌ها و تحمیل هزینه‌های سنگین مالی و انسانی، روند فزاینده این جرائم مهار نشده است. درواقع، سیاست کیفری سرکوب‌محور، خواسته یا ناخواسته، پیامدهایی چون افزایش نارضایتی اجتماعی و کاهش اعتبار بین‌المللی کشور را به دنبال داشته است.

همچنین مبنای تعیین مجازات‌ها در قانون مبارزه با مواد مخدر، بیش از آنکه به جنبه‌های کیفی مانند شخصیت مرتکبین و شرایط ارتكاب جرم توجه داشته باشد، صرفاً بر معیار کمی یعنی میزان

مواد مکشوفه متمرکز بوده است. بدین ترتیب، اصل تناسب جرم و مجازات و به تبع آن عدالت استحقاقی در سیاست کیفری مواد مخدر تا حد زیادی مغفول مانده است.

پیشنهادهای

در راستای تحقق اصل تناسب جرم و مجازات در حوزه جرائم مواد مخدر، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- (۱) **جایگزین‌های مجازات اعدام:** تعیین مجازات‌های عادلانه و متناسب با ماهیت جرائم مواد مخدر همچون حبس متناسب، جزای نقدی مؤثر، مصادره اموال ناشی از جرم و محرومیت‌های اجتماعی می‌تواند جایگزین مناسبی برای مجازات اعدام باشد.
- (۲) **بازنگری در دامنه اجرای اعدام:** تقلیل کاربرد مجازات اعدام به موارد خاص همچون تکرار جرم در دفعات سوم یا چهارم و صرفاً در جرائم مواد مخدر عمده و گسترده که مشمول عنوان افساد فی الارض (موضوع ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی) قرار می‌گیرند، ضروری به نظر می‌رسد.
- (۳) **تناسب‌سازی و تعدیل مجازات‌ها:** جایگزینی اعدام با مجازات‌هایی که صبغه اجتماعی و اصلاحی دارند (همچون خدمات عمومی یا دوره‌های بازپروری) می‌تواند ضمن رعایت کرامت انسانی، بازدارندگی مؤثرتر و پایدارتر ایجاد نماید.

منابع

- ابراهیمی، حسن؛ گلدوست جویباری، رجب؛ و زاهدی، عبدالوحید (۱۴۰۲). جایگاه مجازات اعدام در پیشگیری از وقوع جرایم مواد مخدر از منظر حقوق ایران و افغانستان. *پژوهشنامه مواد مخدر*، ۱۵(۵۹)، ۷۷-۵۹.
- احمدی ابهری، محمدعلی (۱۳۷۷). *اسلام و دفاع اجتماعی* (چاپ اول). ایران، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- اکبری، عباسعلی (۱۳۹۳-الف). جستاری در آسیب‌شناسی سیاست جنایی حاکم بر جرائم مواد مخدر. *سلامت اجتماعی و اعتیاد*، ۱(۲)، ۹۷-۱۱۴.
- اکبری، عباسعلی (۱۳۹۳-ب). بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرائم مواد مخدر در ایران با تأکید بر اصلاحیه سال ۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۱(۲)، ۷-۳۴.
- اکبری، عباسعلی؛ و صادقی، سالار (۱۳۹۹). ارزیابی سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در پیشگیری کیفری از جرایم مواد مخدر با تأکید بر مجازات اعدام. *رهیافت پیشگیری از جرم*، ۴(۱۲)، ۹۱-۱۱۴.

آزمایش، علی (۱۳۸۵). تناسب جرم و مجازات و تخلفات انتظامی سردفتران. کانون، ۶(۶۸)، ۷-۱۷.

جعفری، عباس (۱۳۸۹). سیاست‌های کلان قضایی و دیدگاه‌ها. تعالی حقوق، ۲(۴)، ۵-۱۳.
حسینی، سیدحسین؛ سلطانی، محمد؛ و صفری، صادق (۱۳۹۸). تأثیرات عدم هم‌سویی سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در نگرش متهمین و محکومین جرائم مواد مخدر. حقوقی دادگستری، ۸۳(۱۰۶)، ۱۹۳-۱۶۹.

رحمدل، منصور (۱۳۸۳). حقوق کیفری مواد مخدر (چاپ اول). ایران، تهران: میثاق عدالت.
زارع، ابراهیم (۱۴۰۱). اصل تناسب کلی، مبنایی برای تعیین کیفر متناسب در جرائم متعدد. پژوهش حقوق کیفری، ۱۰(۳۹)، ۷۰-۳۹.

سبزواری‌نژاد، حجت (۱۳۹۶). جایگاه اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق کیفری ایران و انگلستان. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۲(۷۷)، ۱۶۴-۱۳۳.

ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۷۹). سالنامه آماری ستاد مبارزه با مواد مخدر. ایران، تهران: ستاد مبارزه با مواد مخدر.

صفاری، علی (۱۳۸۴). کیفرشناسی و توجیه کیفر (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران (کتاب علوم جنایی). ایران، تهران: سلسیل.
غلامی، حسین (۱۳۹۵). کیفرشناسی- کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم (چاپ اول). ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

فرج‌اللهی، رضا (۱۳۸۹). جرم‌شناس و مسئولیت کیفری (چاپ اول). ایران، تهران: میزان.
فریدمن، لارنس (۱۳۸۶). بازدارندگی (عسگر قهرمان پوربناب و روح‌اله طالبی آرائی: مترجمان) (چاپ اول). ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

فلاحی، احمد (۱۳۹۴). اصل ضرورت در جرم‌انگاری و محدودیت‌های وارد بر دخالت کیفری در مصرف مواد مخدر. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۶(۱)، ۲۱۷-۲۴۰.

کاظمی، سیدسجاد؛ و زرخ، احسان (۱۳۹۱). تبلور قاعده انصاف در اصل فردی کردن مجازات‌ها. تعالی حقوق، ۴(۱۶ و ۱۷)، ۴۵-۵۹.

کاظمی، مسعود (۱۳۹۳). تأثیر مجازات اعدام بر بازدارندگی از جرائم مواد مخدر و روان‌گردان. سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۱(۲)، ۱۰۱-۱۱۸.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۹). قواعد فقه (بخش جزایی) (چاپ اول). ایران، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

محمودی جانکی، فیروز؛ و مرادی حس آبادی، محسن (۱۳۹۰). افکار عمومی و کیفرگرایی.

مطالعات حقوقی، ۳(۲)، ۱۷۵-۲۱۴.

میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۷۷). *حقوق جزای بین‌الملل*. ایران، تهران: نشر میزان.
نوربها، رضا (۱۳۸۳). تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران (کتاب علوم جنایی)).
وینفری‌ال، توماس (۱۳۸۸). *نظریه‌های جرم‌شناسی* (رضا افتخاری: مترجم). ایران، خراسان رضوی: دانشگاه آزاد واحد گناباد.

Fletcher, G. P. (1996). *Basic concepts of legal thought*. New York, Oxford university press

Von Hirsch, A., & Cambridge University. Institute of Criminology. Colloquium (1998: Bristol). (1999). *Criminal deterrence and sentence severity: An analysis of recent research* (Vol. 15). Oxford: Hart Publishing.

